

« هر جمعه، یک دقیقه با وحی: » (شماره: ۱۵)

« جبر » یا « اختیار »

از زمان « قابیل » تا امروز بشر با بحث « جبر و اختیار » درگیر بوده زیرا همه مستکبرین و اذنب آنها (برای فریب مردم و توجیه ظلم و جنایتشان) « جبر » را به مردم « تلقین » کرده و می‌کنند. لذا در دعای « دَحُو الْأَرْضِ » می‌گوئیم: « اللَّهُمَّ؛ وَ الْعَنْ جَبَابِرَةَ الْأُولَيْنَ وَالْآخِرِينَ... » خدایا؛ « اولین جباران سلطه‌گر » و « آخرین آنها » را « لعنت » فرما. « جبابره » افرادی که « خود را تافته جدا بافته » و « مردم را برده » خود می‌پندارند. در حالی که از منظر « قرآن »، انسان در « گفتار و رفتار خود »، قطعاً « مختار » است. پس بر خلاف تلقین عوامل استکبار، « وراثت، محیط، والدین، همسر، شیطان، شانس و رفیق » هرگز « نمی‌توانند » و « خداوند نمی‌خواهد » انسان را به کاری « مجبور » کنند. جالب اینکه « ابلیس » هم انسان را « مختار » می‌داند:

قال: يا آدَمُ؛ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَا يَبْلَى؟ (طه/۱۲۰)

اما « مشرکین » (برای فریب خود و دیگران و فرار از مسئولیت و توجیه دنیاطلبی خود) ادعا می‌کنند: (ما مختار نیستیم و مجبوریم مشرک باشیم زیرا) اگر خدا می‌خواست ما و اجداد ما مشرک نمی‌شدیم:

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا: « لَوْ شَاءَ اللَّهُ » مَا أَشْرَكْنَا وَ لَا آبَاؤُنَا (أنعام/۱۴۸)

وَ قَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَ لَا آبَاؤُنَا... (نحل/۳۵)

در حالی که « خداوند »، « مردم » را به بهشت « فقط دعوت » می‌کند (اما مجبور نمی‌کند):

.. وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ.. (بقره/۲۲۱)

طبق « صدها آیه قرآن »، انسان (زنده و سالم) « مختار » است و « عملکرد او فقط به خود او » بازگشت می‌کند و « قطعاً هیچ فردی »، « مسئول عملکرد دیگران نیست »:

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ... (نحل/۱۱۱)

وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا (بقره/۱۲۳)